

تُفْسِير سورة

صَفَّ



### سیمای سوره صف

این سوره چهارده آیه دارد و از سوره‌های مدنی است.

به مناسبت کلمه «صف» که در چهارمین آیه آمده، این سوره «صف» نامگذاری شده است.

بیشترین توجه این سوره به برتری دین اسلام بر سایر ادیان آسمانی و لزوم جهاد در راه خداوند و حمایت از پیامبران الهی است.

علاوه بر این سوره، سوره‌های حديد و حشر نیز با کلمه «سبّح» و سوره‌های جمعه و تغابن با کلمه «یُسْبِحُ» و سوره اسراء با کلمه «سَبَّحَنَ» و سوره اعلیٰ با فرمان «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ» آغاز شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿١﴾ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح گویند و اوست  
قدرتمند حکیم.

### پیام‌ها:

۱- در بینش اسلامی، تمام هستی دارای شعور است و همه به تسبیح خداوند مشغولند. ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا...﴾

۲- کسی سزاوار تسبیح و تقدیس است که دارای قدرت بی‌نهایت و حکمت بی‌نظیر باشد. ﴿وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

﴿٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْ أَنفُسِهِمْ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟

﴿٣﴾ كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

نزد خدا بسیار مورد غضب است که چیزی را بگوئید که عمل نمی‌کنید.

### نکته‌ها:

■ «مقت» به معنای خشم و غضب شدید است.

- مشابه این توبیخ را در آیه «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالبَرِّ وَ تَنْسُونَ أَنفُسَكُمْ»<sup>(۱)</sup> می‌خوانیم.
- عمل نکردن به گفتار، گاهی به خاطر ناتوانی است و گاهی از روی بی‌اعتنایی که این مورد توبیخ است.
- عالم بی‌عمل، به درخت بی‌ثمر، ابر بی‌باران، نهر بی‌آب، زنبور بدون عسل، سوزن بدون نخ و الاغی که کتاب حمل می‌کند، تشبيه شده است.
- در احادیث می‌خوانیم: «عَلَمَ بِلَا عَمَلٍ حِجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعَبْدِ»<sup>(۲)</sup> علم بدون عمل، حجّتی بر علیه انسان است.
- «العلم الّذی لا یُعمل به كالكنز الّذی لا ینفق منه»<sup>(۳)</sup> علمی که به آن عمل نشود، مانند گنجی است که از آن انفاق نشود.
- «اَنَّ اَشَدَ النَّاسَ حُسْنَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الّذِي وَصَفُوا الْعَدْلَ ثُمَّ خَالَفُوهُ»<sup>(۴)</sup> کسی که از عدالت سخن بگوید ولی عادل نباشد، سختترین حسرت را در قیامت خواهد داشت.
- حضرت عیسیٰ فرمود: «أَشَقَ النَّاسَ مَنْ هُوَ مَعْرُوفٌ عِنْدَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ مَجْهُولٌ بِعِلْمِهِ»<sup>(۵)</sup> کسی که نزد مردم به علم معروف است ولی عمل او معروف نیست، شقی‌ترین مردم است.
- امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ یُصَدِّقْ فَعْلَهُ فَلِيَسْ بِعَالَمٍ»<sup>(۶)</sup> کسی که کارهایش تأکید کننده‌ی گفتارش نباشد، عالم نیست.
- امام صادق علیه السلام یکی از مصادیق این آیه را خلف و عده دانستند و فرمودند: و عده مؤمن به منزله‌ی نذر است لکن کفاره ندارد. «عَدَةُ الْمُؤْمِنِ اخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ»<sup>(۷)</sup>
- به گفته مفسّرین، شأن نزول آیه درباره کسانی است که خواهان جهاد بوده ولی همین که فرمان جهاد صادر شد، بهانه تراشی و عذرخواهی کردند. البته محتوای آیه مربوط به تمام کسانی است که شعار می‌دهند ولی عمل نمی‌کنند.

---

۱. بقره، ۴۴.	۲. غرر الحكم.	۳. امالی صدوق، ص ۳۴۳.
۴. بحار، ج ۲، ص ۳۰.	۵. مصباح الشریعه، ص ۳۶۸.	۶. کافی، ج ۱، ص ۳۶۳.
۷. کافی، ج ۲، ص ۳۶۳.		

## پیام‌ها:

- ۱- ایمان باید با عمل و صداقت همراه باشد و گرنه مستحق سرزنش و توبیخ است. (تمام آیه)
- ۲- قبل از این که انتقاد کنید، به بیان نقاط مثبت بپردازید. شما که ایمان دارید، چرا عمل نمی‌کنید؟ «یا ایها الّذین آمنوا... لَمْ... لا تفعلون»
- ۳- یکی از روش‌های تربیت، توبیخ بجا و به موقع است. «لَمْ تقولون مَا لَا تفعلون»
- ۴- وفای به عهد، واجب و خلف وعده، از گناهان کبیره است. «كَبِيرٌ مُّقتَأً»
- ۵- چه زشت است که تمام هستی در حال تسبیح خداوند باشند، «سَبِيْحُ اللّهِ» ولی انسان با سخنان بدون عمل، خداوند را به غضب آورد. «كَبِيرٌ مُّقتَأً عِنْدَ اللّهِ»
- ۶- گفتار بدون عمل، خطرناک است. کلمات «کبیر»، «مُّقتَأ» و «عِنْدَ اللّهِ»، نشان از خطرناک بودن موضوع است.
- ۷- اگر امروز کار شما با عده‌ها و شعارهای دروغین حل شود، در آینده وضع خطرناکی خواهید داشت. «كَبِيرٌ مُّقتَأً عِنْدَ اللّهِ»

﴿٤﴾ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَّاً كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ

همانا خداوند کسانی را دوست دارد که صفت بسته در راه او پیکار کنند،

چنانکه گویی بنایی آهنین هستند.

## نکته‌ها:

- «بیان» به معنای ساختمان است. «مرصوص»، از «رصاص» به معنای سرب است و «بنیان مرصوص» یعنی ساختمانی که از فرط استحکام، گویی از سرب ساخته شده است.
- شاید انتقاد آیه قبل، از کسانی باشد که شعار جهاد و پیکار دادند ولی به آن شعارها عمل نکردند، لذا خداوند فرمود: کسانی که عمل نکردند مورد غضب هستند «كَبِيرٌ مُّقتَأً» و کسانی که عمل کردند محبوب خدا هستند. «يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ»

▣ حضرت امیر علیہ السلام در جنگ صفين برای بالا بردن انگیزه یاران خود، این آیه را تلاوت فرمودند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- در تربیت، قهر و مهر هر دو لازم است. (در آیه قبل سخن از قهر الهی بود و در اینجا سخن از مهر الهی است). «انَّ اللَّهَ يُحِبُّ...»
- ۲- برای بازداشت از کار ناپسند اندزار لازم است، «لَمْ تَقُولُنَّ... كَبِيرٌ مُّقْتَأً» ولی واداشتن به کار نیک، تشویق لازم دارد. «يُحِبُّ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَ»
- ۳- جلب رضایت و محبت خداوند، بالاترین تشویق برای مؤمنان است، حتی برتر از بهشت و امثال آن. «انَّ اللَّهَ يُحِبُّ...»
- ۴- کارهای سخت، انگیزه قوی لازم دارد و بالاترین انگیزه‌ها، محبوب خدا شدن است. «انَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَ»
- ۵- مؤمنان مجاهد، دوستداران خداوند هستند و در راه او جانشان را تقدیم می‌کنند، «يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ» خداوند هم آنها را دوست دارد. «يُحِبُّ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَ»
- ۶- در شرایط عادی، وحدت و اتحاد و دوری از تفرقه لازم است ولی در برابر دشمن، صفوف مؤمنان باید متّحدتر و نفوذناپذیر و فولادین باشد. «صَفَّاً كَانُوهِمْ بُنْيَانَ مَرْصُوصٍ»

۱. تفسیر روح المعانی.

﴿٥﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمَ لِمَ تُؤْذُنُنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغَوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

و آنگاه که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! با این که می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم، چرا اذیتم می کنید؟ پس چون منحرف شدند، خداوند دلهای آنان را منحرف ساخت و خداوند قوم فاسق را هدایت نمی کند.

### نکته ها:

- «zaḡ» از «زیغ» به معنای انحراف از مسیر حق است. روح انسان به راه مستقیم تمایل دارد و این انسان است که آن را منحرف می کند.
- در آیات قبل، انتقاد از گفتار بدون عمل بود، در این آیه انتقاد از عمل بر خلاف علم است که چرا با اینکه می دانند او پیامبر خداست، او را اذیت و آزار می دهند.
- خداوند، کیفر و پاداش را بر اساس عدل و حکمت خود و عملکرد انسان قرار می دهد. او از طریق عقل و فطرت و فرستادن پیامبران مردم را هدایت می کند، هر کس هدایت را پذیرفت بر هدایتش می افزاید: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هَدَىٰ»<sup>(۱)</sup> و هر کس با علم و اراده، راه انحراف را انتخاب کند، خداوند او را رها می کند. «زاغوا ازاغ الله»
- ادبیاتی که قوم موسی علیهم السلام در مورد او روا داشتند، بسیار بود، از جمله می گفتند:  
 «لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة»<sup>(۲)</sup> هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا این که خداوند را به طور آشکار ببینیم.  
 «لن نصبر على طعام واحد»<sup>(۳)</sup> ما بر یک نوع طعام صبر نمی کنیم.  
 «لن ندخلها حتى يخرجوا منها»<sup>(۴)</sup> ما داخل نخواهیم شد تا آنها از آنجا بیرون نشوند.

٣. بقره، ٦١.

٢. بقره، ٥٥.

١. محمد، ١٧.

٤. مائدہ، ٢٢.

﴿فَادْهِبْ أَنْتُ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا أَنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾<sup>(۱)</sup> تو و پروردگارت بروید و با آنها جنگ کنید، ما اینجا خواهیم نشسته‌ایم.

﴿أَجْعَلْ لَنَا الَّهُ كَمَا لَهُمْ أَلَّهُ﴾<sup>(۲)</sup> برای ما نیز خدایی مثل خدایان این بت پرستان، قرار بده.  
 ﴿قَالُوا أَوْذِنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جَئْنَا﴾<sup>(۳)</sup> ای موسی! ما هم پیش از آمدن تو و هم پس از آن در رنج و شکنجه بوده‌ایم.

پیامبر اسلام ﷺ نیز مورد آزار و اذیت مشرکان و منافقان قرار داشت، چنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يَؤْذُنُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذْنٌ﴾<sup>(۴)</sup> بعضی (از منافقان) کسانی هستند که دائم پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند او زود باور است.

﴿وَالَّذِينَ يَؤْذُنُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾<sup>(۵)</sup> برای آنها که پیامبر خدا را اذیت می‌کنند، عذاب دردنگ آماده و مهیا است.

﴿إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يَؤْذِي النَّبِيَّ فَيُسْتَحْبِي مِنْكُمْ﴾<sup>(۶)</sup> این کار شما پیامبر را آزار می‌دهد و او از شما شرم می‌کند (که ناراحتی خود را اظهار کند).

یکی دیگر از آزارهایی که پیامبر اسلام می‌دید، سستی بعضی از مسلمانان برای جهاد بود که می‌گفتند: «انّ بیوتنا عورۃ»<sup>(۷)</sup> خانه‌های ما حفاظ ندارد، «لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرّ»<sup>(۸)</sup> هوا گرم است، «بَعْدُتُ عَلَيْهِمُ الشَّقَّةُ»<sup>(۹)</sup> راه دور است، «الَا فِي الْفَتْنَةِ سَقْطُوا»<sup>(۱۰)</sup> با شرکت در جنگ تبوک ممکن است نگاه ما به دختران و زنان رومی بیفتند و گرفتار شویم، اسلحه و امکانات کم است و...

■ با توجه به آیات قبل که فرمود: چرا به گفتار خود عمل نمی‌کنید و خدا رزمندگان را دوست دارد، معلوم می‌شود که مراد از آزار در این آیه، سستی در جهاد و جبهه است.

- 
- |              |               |               |
|--------------|---------------|---------------|
| ۱. مائدہ، ۷۴ | ۲. اعراف، ۱۳۸ | ۳. اعراف، ۱۲۹ |
| ۴. توبه، ۶۱  | ۵. توبه، ۶۱   | ۶. احزاب، ۵۳  |
| ۷. احزاب، ۱۳ | ۸. توبه، ۸۱   | ۹. توبه، ۴۲   |
| ۱۰. توبه، ۴۹ |               |               |

## پیام‌ها:

- ۱- تاریخ زندگی حضرت موسی ﷺ بخاطر درس‌ها و عبرت‌هایی که دارد نباید فراموش شود. «و اذ...»
- ۲- آشنایی با تاریخ بزرگان، سبب تسلي و دلداری است. «اذ قال موسی لقومه... لم تؤذونني»
- ۳- گاهی خودی‌ها بیش از بیگانگان مشکل آفرینی می‌کنند. «يا قوم لم تؤذونني»
- ۴- در نهی از منکر، از اهرم عاطفه استفاده کنید. «يا قوم لم تؤذونني»
- ۵- اذیت یاران، نباید سبب قهر و طرد آنها شود. «يا قوم لم تؤذونني»
- ۶- علم و آگاهی مسئولیت آور است. از آگاهان انتظار می‌رود که به علم خود عمل کنند. «لم تؤذونني و قد تعلمون...»
- ۷- گفتار و رفتاری که موجب آزار رهبران دینی شود، به انحراف انسان می‌انجامد. «لم تؤذونني... زاغوا»
- ۸- انحراف در گفتار و رفتار، مقدمه انحراف دل و روح و شخصیت و هویت و فرهنگ و فکر انسان است. «فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم»
- ۹- گناه، محرومیت از هدایت الهی را به دنبال دارد. «والله لا يهدى الفاسقين»

﴿۶﴾ وَإِذْ قَالَ عِيسَى أَبْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيِّ مِنَ الْتُّورَةِ وَمُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي أَسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

و آنگاه که عیسی پسر مریم به بنی اسرائیل گفت: همانا من فرستاده خدا به سوی شما هستم و توراتی را که پیش از من بوده است تصدیق می‌کنم و نسبت به پیامبری که بعد از من خواهد آمد و نامش احمد است، مژده می‌دهم. پس چون معجزات روشنی برای آنان آورد، گفتند: این سحری آشکار است.

## نکته‌ها:

◻ بدون شک آنچه امروز در دست یهود و نصاری به نام تورات و انجیل قرار دارد، کتاب‌های نازل شده بر پیامبران بزرگ خدا، حضرت موسی و حضرت مسیح صلوات‌الله‌علی‌ہم‌وآله‌ہم‌سلم نیست، بلکه مجموعه‌ای از کتاب‌هایی است که به وسیله یاران آنها یا افرادی که بعد از آنها متولد شده‌اند، تألیف شده است. یک مطالعه اجمالی در این کتاب‌ها گواه زنده این مدعاست و خود یهودیان و مسیحیان نیز ادعایی بیش از این ندارند.

البته شک نیست که قسمتی از تعلیمات موسی و عیسی و محتوای کتاب‌های آنها در ضمن گفته‌های پیروانشان به این کتاب‌ها انتقال یافته است، به همین دلیل نمی‌توان همه آنچه را که در عهد قدیم (تورات و کتاب‌های وابسته به آن) و عهد جدید (انجیل و کتاب‌های وابسته به آن) آمده است، انکار کرد، بلکه محتوای کتاب‌های فوق، مخلوطی از تعلیمات این دو پیامبر بزرگ خدا و افکار و اندیشه‌های دیگران است.

در کتاب‌های موجود، تعبیرات گوناگونی که بشارت ظهور پیامبر بزرگی در آینده، که نشانه‌های او جز بر پیامبر اسلام تطبیق نمی‌کند، دیده می‌شود.

جالب آنکه غیر از پیشگویی‌هایی که در این کتاب‌ها دیده می‌شود و بر شخص پیامبر اسلام صلوات‌الله‌علی‌ہم‌وآله‌ہم‌سلم تطبیق می‌کند، در سه مورد از انجیل «یوحنا»، روی کلمه «فارقلیط» تکیه شده که در ترجمه‌های فارسی، به «تسلی دهنده» ترجمه شده است. اکنون به متن انجیل یوحنا به نقل از تفسیر نمونه توجه کنید:

«و من از پدر خواهم خواست و او «تسلی دهنده» دیگر به شما خواهد داد که تا ابد با شما خواهد ماند.»<sup>(۱)</sup>

و در باب ۱۵ آمده است: «و چون آن «تسلی دهنده» بیاید... در باره‌ی من شهادت خواهد داد.»<sup>(۲)</sup>

و در باب ۱۶ نیز می‌خوانیم: «لیکن به شما راست می‌گوییم که شما را مفید است که من بروم

۱. انجیل یوحنا، باب ۱۴، جمله ۱۶.

۲. انجیل یوحنا، باب ۱۵، جمله ۲۶.

که اگر من نروم، آن «تسلی دهنده» به نزد شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را به نزد شما خواهم فرستاد.»<sup>(۱)</sup>

مهمّ است که در متن سریانی انجیل که از اصل یونانی گرفته شده است، به جای تسلی دهنده، «پارقلیطا» آمده و در متن یونانی «پیرکلتوس» که از نظر فرهنگ یونانی به معنی «شخص مورد ستایش» و معادل واژه‌های «محمد و احمد» در زبان عربی است.

ولی هنگامی که ارباب کلیسا متوجه شدند انتشار چنین ترجمه‌های ضربه‌ی شدیدی به تشکیلات آنها وارد می‌کند، به جای «پیرکلتوس»، کلمه‌ی «پارکلتوس» را نوشتند که به معنای «تسلی دهنده» است و با این تحریف آشکار، این سند زنده را دگرگون ساختند، هر چند با وجود این تحریف بشارت روشنی از ظهور یک پیامبر بزرگ در آینده مشهود است.<sup>(۲)</sup>

در دایرة المعارف بزرگ فرانسه، در این باره آمده است:

«محمد، مؤسس دین اسلام و فرستاده‌ی خدا و خاتم پیامبران است. کلمه «محمد» به معنی بسیار حمد شده است و از ریشه‌ی «حمد» به معنی تحلیل و تمجید، گرفته شده و نام دیگری که آن هم از ریشه‌ی «حمد» است و هم معنی لفظ «محمد» می‌باشد، «احمد» است که احتمال قوی می‌رود، مسیحیان عربستان، آن لفظ را به جای «فارقلیط» به کار می‌برند. احمد یعنی بسیار ستوده شده و بسیار مجلل، که ترجمه‌ی لفظ «پیرکلتوس» است و اشتباهًا لفظ «پارکلتوس» را به جای آن گذاشته‌اند و به این ترتیب نویسنده‌گان مذهبی مسلمان مکرر گوشزد کرده‌اند که مراد از این لفظ، بشارت ظهور پیامبر اسلام است. قرآن مجید نیز آشکارا در آیه ششم سوره صف به این موضوع اشاره می‌کند.»<sup>(۳)</sup>

□ آیا نام پیامبر اسلام، «احمد» بوده است؟

الف) در کتاب‌های تاریخی آمده است که پیامبر اسلام ﷺ از کودکی دارای دو نام بوده و مردم او را با هر دو نام خطاب می‌کردند که یکی «محمد» و دیگری «احمد» بوده است. نام اول را جد پیامبر عبدالملک، و نام احمد را مادرش آمنه برای او انتخاب کردند. این مطلب در

۱. انجیل یوحنا، باب ۱۶، جمله ۸.

۲. تفسیر فرقان.

۳. دایرة المعارف بزرگ فرانسه، ج ۲۳، ص ۱۷۶، ۴، به نقل از تفسیر نمونه.

سیره حلبی مشروحاً ذکر شده است.

ب) یکی از کسانی که به دفعات، پیامبر اسلام ﷺ را با نام «احمد» یاد کرده، عمومی آن حضرت، «ابطالب» است و امروزه در کتابی که به نام «دیوان ابوطالب» در دست ما قرار دارد، اشعار زیادی دیده می‌شود که در آن از پیامبر گرامی اسلام با عنوان «احمد» یاد شده است<sup>(۱)</sup> مانند:

ارادوا قتل احمد ظالموهم  
ولیس بقتلهم فیهم زعیم  
ستمگران تصمیم به قتل او گرفتند ولی برای این کار رهبری نیافتند.

ج) در اشعار «حسان بن ثابت» شاعر معروف عصر پیامبر نیز این تعبیر دیده می‌شود:  
فظللت لاء الرسول تعدد  
مفجعة قد شفها فقد احمد

المصیبت زده‌ای که فقدان احمد او را بی‌تاب کرده بود، بیوسته عطايا و مواهب رسول را بر می‌شمرد.<sup>(۲)</sup>

■ در حدیث می‌خوانیم که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: نام من در زمین، «محمد» و در آسمان‌ها، «احمد» است.<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- تاریخ زندگانی حضرت عیسیٰ ﷺ قابل توجه و به یاد ماندنی است «و اذ قال عیسیٰ»
- ۲- حضرت موسی از بنی اسرائیل بود و لذا می‌گفت: «يا قوم» ولی حضرت عیسیٰ از بنی اسرائیل نبود و لذا به جای «يا قوم»، می‌گفت: «يا بنی اسرائیل»
- ۳- عیسیٰ، رسول خدا است، او را خدا ندانید. «انّي رسول الله»
- ۴- در تربیت الهی، کلاس‌های متعددی وجود دارد که هر کلاس، مقدمه‌ی کلاس بعدی و هر استاد تصدیق کننده استاد قبلی است. «و مصدقاً لما بين يدي من

۱. دیوان ابوطالب، ص ۲۵ تا ۲۹، و تاریخ این عساکر، ج ۱، ص ۲۷۵، به نقل از تفسیر نمونه.

۲. دیوان حسان بن ثابت، ص ۵۹، به نقل از تفسیر نمونه. ۳. تفسیر برهان.

التوراة و مبشرًا برسول...»

۵- اسلام، کامل ترین ادیان است، زیرا بشارت، در مورد چیز بهتر و کامل تر است.  
 «و مبشرًا برسول»

۶- در نزد اولیای خدا، به جای حسادت، بشارت است. «مبشرًا برسول من بعدی»

۷- عیسیٰ هم مبشر است، هم مبشر. او به آمدن پیامبر اسلام بشارت می‌دهد  
 «مبشرًا برسول...» و خداوند از وجود او بشارت می‌دهد. «یا مریم ان الله  
 يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح»<sup>(۱)</sup>

۸- در دعوت‌ها، هم به گذشته توجّه کنید «و مصدقًا...»، هم زمان خود را در نظر  
 بگیرید «انی رسول الله الیکم» و هم آینده را در نظر داشته باشید. «... من بعدی  
 اسمه احمد»

۹- در معرفی افراد آن گونه عمل کنید که هیچ ابهامی باقی نماند. «... اسمه احمد»

۱۰- لجاجت، عنصری است که باعث می‌شود، نه بشارت‌های قبلی کارساز باشد  
 و نه نشانه‌های موجود. «فلئا جاءهم بالبيانات قالوا هذا سحرٌ مبين»

**﴿۷﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى أَلِإِسْلَامِ وَاللهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ**

و کیست ستمکار تراز آن که بر خدا دروغ بست (و قرآن را سحر خواند)، در حالی

که به اسلام دعوت می‌شود و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند.

### نکته‌ها:

□ در قرآن، شانزده مرتبه کلمه «اظلم» به کار رفته که پانزده مورد آن مربوط به مسایل اعتقادی و فرهنگی است نظیر:

﴿افترى على الله﴾ ۹ مرتبه

۱. آل عمران، ۴۵.

۱ مرتبه	﴿کتم شهادة﴾
۲ مرتبه	﴿کذب بآيات الله﴾
۱ مرتبه	﴿منع مساجد الله﴾
۲ مرتبه	﴿ذکر بآيات ربه فاعرض عنها﴾

■ در آیه پنجم این سوره خواندیم: «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» ولی در این آیه می‌خوانیم: «لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»، این تفاوت ممکن است به دلایل زیر باشد:

(الف) اذیت کنندگان موسیٰ ﷺ، خودشان از مدار حق خارج شدند ولی لجوچان زمان پیامبر ﷺ با افترا زدن به دیگران نیز ظلم می‌کردند.

(ب) مخالفان پیامبر اسلام ﷺ بعد از گذشتن دوران پیامبری موسیٰ و عیسیٰ ﷺ و بشارت عیسیٰ، به لجاجت پرداختند و هر چه زمان طولانی تر و اتمام حجت بیشتر شود، ظلم بیشتر و کیفر آن سخت تر خواهد بود.

■ ظلم بر سه نوع است: ظلم به خود، ظلم به مردم و ظلم به مكتب و از این میان، ظلم به دین و مكتب، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نوع ظلم است.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- کسی که نه بشارت عیسیٰ و نه معجزات پیامبر اسلام را می‌پذیرد و همه را یکسره سحر می‌داند، مرتكب بزر ترین افترا گردیده و ظالم‌ترین فرد است.  
﴿سحر مبین و من اظلم ممن افترى﴾
- ۲- افترا به انبیای الهی، افترا بر خداست. آنان به پیامبر ﷺ گفتند: «سحر مبین»، خداوند عمل آنان را افترا بر خدا معرفی می‌کند.
- ۳- افترا بر خدا و دین خدا، بدترین نوع افتراست. «و من اظلم ممن افترى على الله»
- ۴- بزر ترین ظلم، جلوگیری از رشد و معرفت و حق گرایی و عبادت مردم است. «من اظلم ممن افترى على الله»

---

۱. تفسیر اطیب البیان.

۵- بدترین نوع ظلم آن است که بر ظالم، اتمام حجّت شده باشد و او ظلم کند.

﴿وَهُوَ يَدْعُ إِلَى الْإِسْلَامِ﴾

۶- نتیجه افترا بر خداوند، محرومیت از هدایت الهی است. ﴿وَاللَّهُ لَا يَهْدِي النَّاسَ  
الظَّالِمِينَ﴾

۷- هدایت و ضلالت به دست خداوند است، لکن انسان زمینه‌های آن را با اختیار  
واراده خود فراهم یا نابود می‌کند. ﴿لَا يَهْدِي النَّاسَ الظَّالِمِينَ﴾

﴿٨﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُتَّمِّنُ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ  
الْكَافِرُونَ

آنان تصمیم دارند که نور خدا را با دهان‌ها (و سخنان و افتراها) خود  
خاموش کنند، در حالی که خداوند کامل کننده نور خویش است، هرچند  
کافران ناخشنود باشند.

﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الْدِينِ  
كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

او کسی است که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق (به سوی مردم)  
فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب سازد، گرچه مشرکان آن را خوش  
نداشته باشند.

#### نکته‌ها:

- مشابه آیات هشتم و نهم این سوره، در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره توبه آمده است.
- دشمن برای خاموش کردن نور خداوند از راه‌هایی مختلفی استفاده می‌کند، از جمله:  
- تهمت ارتیاع و کهنه گرایی می‌زنند. ﴿اساطیر الاولین﴾<sup>(۱)</sup>

- می‌گویند این سخنان خیال و پندار است. «اضغاث احلام»<sup>(۱)</sup>
- سخنان پیامبر را دروغ و افتراء می‌نامند. «ام يقولون افتراء»<sup>(۲)</sup>
- آیات وحی را سطحی و بی ارزش قلمداد می‌کنند. «لُو نَسَاءٌ لَقَلْنَا مِثْلَ هَذَا»<sup>(۳)</sup>
- برای خداوند رقیب تراشی می‌کنند. «و جعلوا لَهُ انداداً»<sup>(۴)</sup>
- مردم را از شنیدن آیات الهی باز می‌دارند. «لَا تَسْمَعُوا لِهَا الْقُرْآنَ وَ الْغُوا فِيهِ»<sup>(۵)</sup>
- به راه و مكتب مؤمنان طعنه می‌زنند و آنان را تحقیر می‌کنند. «و طعنوا فِي دِينِكُمْ»<sup>(۶)</sup>
- دین خدا را مسخره می‌کنند. «اتخذوا دِينَكُمْ هَزْوًا وَ لَعْبًا»<sup>(۷)</sup>
- سعی در تخریب مساجد و پایگاه‌های مكتب دارند. «سَعَىٰ فِيٰ خَرَابِهَا»<sup>(۸)</sup>
- سعی در تحریف دین می‌نمایند. «يَحْرُفُونَ الْكَلْمَ»<sup>(۹)</sup>
- گاهی بدعت گذاری در دین دارند. «و رهیانیة ابتداعوها»<sup>(۱۰)</sup>
- گاهی حقایق دین را کتمان می‌کنند. «يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ»<sup>(۱۱)</sup>
- دین خداوند را تجزیه می‌کنند. «أَفَتَؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ»<sup>(۱۲)</sup>
- حق و باطل را در هم می‌آمیزند. «وَلَا تُلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ»<sup>(۱۳)</sup>
- در دین خدا، غلو می‌کنند. «لَا تَغْلُبُوا فِي دِينِكُمْ»<sup>(۱۴)</sup>
- با مسلمانان به جنگ و ستیز بر می‌خیزند. «لَا يَزَالُونَ يَقَاطِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرْدُوْكُمْ عَنْ دِينِكُمْ»<sup>(۱۵)</sup>
- ▣ خداوند سه بار وعده پیروزی اسلام بر تمام ادیان را داده است:
- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لِوُكْرَهُ الْمُشْرِكُونَ»<sup>(۱۶)</sup>
- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفِىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا»<sup>(۱۷)</sup>

- 
- |  |   |  |
|--|---|--|
| <p>.۳. انفال، ۳۱</p> <p>.۶. توبه، ۱۲</p> <p>.۹. حديث، ۲۷</p> <p>.۴۲. بقره، ۱۲</p> <p>.۳۳. توبه، ۱۵</p> | <p>.۲. احقاف، ۸</p> <p>.۵. فصلت، ۲۶</p> <p>.۱۱۴. بقره، ۸</p> <p>.۱۱. بقره، ۸۵</p> <p>.۲۱۷. بقره، ۱۴</p> | <p>.۱. انبیاء، ۵</p> <p>.۳۰. ابراهیم، ۳۰</p> <p>.۵۷. مائدہ، ۵۷</p> <p>.۱۵۹. بقره، ۱۰</p> <p>.۷۷. مائدہ، ۱۳</p> <p>.۲۸. فتح، ۱۶</p> |
|--|---|--|

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>(١)</sup>  
وَ خَدَاوَنْدَ وَعْدَهُ خَوْدَهُ رَا عَمْلَهُ مَىْ كَنْدَ. ﴿وَ لَنْ يَخْلُفَ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾<sup>(٢)</sup>

▣ در روایات متواتر می‌خوانیم که پیروزی اسلام بر دیگر ادیان آسمانی، در زمان ظهور حضرت مهدی ﷺ تحقق خواهد یافت.

حضرت علیؑ فرمود: «فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا تَبْقَى قَرِيَةً إِلَّا وَ يَنَادِي فِيهَا بِشَهَادَةِ إِنْ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَكْرَةً وَ عَشِيًّا»<sup>(٣)</sup> به خداوندی که جانم در دست اوست، هیچ شهر و روستایی باقی نمی‌ماند مگر آن که هر صبح و شام صدای اذان و شهادتین در آن شنیده خواهد شد.

▣ تاریخ اسلام، تحقق آیه هشتم را به اثبات رسانده است، زیرا با این که دشمن از طریق استهزا و اذیت و شکنجه، محاصره اقتصادی و اجتماعی، تحمیل جنگ‌ها، توطئه‌های داخلی منافقین، ایجاد تفرقه میان مسلمین، به راه انداختن جنگ‌های صلیبی، ترویج فحشا و منکرات، استعمار نظامی و سیاسی لحظه‌ای کوتاهی نکرده، ولی اسلام روز به روز توسعه پیدا کرده است.

### پیام‌ها:

۱- دشمن دائمًا در فکر خاموش کردن چراغ هدایت و نور خدادست. ﴿يَرِيدُونْ  
لِيَطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ﴾

۲- قرآن نور الهی است. ﴿لِيَطْفَئُوا نُورَ اللَّهِ﴾

۳- دین نور است، یعنی مایه‌ی شناخت، رشد، حرکت و گرمی است. ﴿نُورُ اللَّهِ﴾

۴- برنامه‌ها و تصمیمات دشمنان برای مقابله با حق، تلاشی مذبوحانه و بی‌ثمر است. ﴿نُورُ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾

کی شود خورشید از پف منظمس  
هر کسی بر طینت خود می‌طند

١. صف، ٩. ٢. روم، ٦؛ حج، ٤٧.

٣. تفاسیر مجتمع‌البيان، کنز الدقائق و برهان.

- ۵- مهم‌ترین وسیله دشمن برای مقابله با اسلام، تبلیغات است. «بافواههم»  
چراغی را که ایزد بر فروزد هر آن کس پف کند ریشش بسو زد
- ۶- اسلام، دین کامل و جاودان است. «وَاللَّهِ مَتَمَّ نُورٌ»
- ۷- هیچ نوع مخالفتی مانع اراده الهی نیست، نه شرک «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>(۱)</sup>، و نه  
کفر. «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»
- ۸- کفر و شرک، به طور یکسان از گسترش اسلام ناراضی هستند. «وَلَوْ كَرِهَ  
الْكَافِرُونَ»، «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»
- ۹- رسولان با اراده الهی انتخاب می‌شوند، نه انتخاب و اراده مردم. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ  
رَسُولَهُ»
- ۱۰- پیروزی اسلام به خاطر حقانیت آن است. «بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيَظْهُرَهُ»
- ۱۱- آینده از آن اسلام است. «لِيَظْهُرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»
- ۱۲- مكتب اسلام، امید آفرین است. «لِيَظْهُرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»
- ۱۳- حاکمیت و غلبه‌ای ارزش دارد که کامل و دائم باشد. «لِيَظْهُرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»
- ۱۴- به جز اسلام، تمام ادیان تاریخ مصرف دارند و تنها اسلام مكتب جاودانی  
است. «لِيَظْهُرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»
- ۱۵- عوامل پیروزی اسلام چند چیز است:  
 الف) اراده و امداد الهی، «هُوَ الَّذِي»  
 ب) رهبری معصوم و لایق، «رَسُولُهُ»  
 ج) نیاز طبیعی جامعه، «بِالْهُدَىٰ»  
 د) داشتن حقانیت، «دِينِ الْحَقِّ»  
 ه) جامع و کامل بودن مكتب، «مَتَمَّ نُورٌ»

﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُواْ هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيْكُمْ مِنْ عَذَابٍ  
أَلِيمٍ

ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را بر تجارته که از عذاب دردنگ  
(قیامت) نجات ندانید، راهنمایی کنم؟

﴿١١﴾ تُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَتَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ بِاَمْوَالِكُمْ وَ  
أَنفُسِكُمْ نَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

به خدا و رسولش ایمان آورید و با اموال و جانها یتان در راه خدا جهاد  
کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید.

﴿١٢﴾ يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا أَلَانِهَارُ وَ  
مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(در این صورت)، خداوند گناهان شما را می آمرزد و به باغهایی که نهرها  
از زیر آنها جاری است و خانه‌های دل پسند در بهشت‌های جاودان  
واردتان می‌کند. این رستگاری بزرگی است.

### نکته‌ها:

■ در آیه قبل، غلبه دین اسلام بر سایر ادیان و عده داده شد ولی تحقق این وعده سه شرط  
لازم دارد:

الف) قانون کامل و جهانی که همان قرآن است، نوری که خداوند آن را کامل کرده و هیچ کس  
قدرت خاموش کردنش را ندارد.

ب) وجود رهبر معصوم، که حضرت مهدی، بقیة الله و ذخیره الهی است.

ج) آمادگی مردم، که در این آیه مطرح شده است.

■ این آیات، هم وزن آیه ۱۱۱ سوره توبه است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

انفسهم و اموالهم باه لهم الجنّة...

■ در تجارت چند فرض وجود دارد:

تجارت بد: «بئسما اشتروا به انفسهم»<sup>(۱)</sup>

تجارت بدون سود: «فما ربعت تجارتهم»<sup>(۲)</sup>

تجارت کم سود: «متاع الدنيا قليل»<sup>(۳)</sup>

تجارت زیان بار: «ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم»<sup>(۴)</sup>

تجارت بسیار زیان بار: «ان الانسان لفي خسر»<sup>(۵)</sup>

تجارت رسول: «الخسران المبين»<sup>(۶)</sup>

تجارت راکد: «تخشون كсадها»<sup>(۷)</sup>

تجارت مستمر و بادوام: «تجارة لن تبور»<sup>(۸)</sup>

تجارت نجات بخش: «تجارة تنجيكم»<sup>(۹)</sup>

تجارت سودآور: «تجارة مُرِيحة»<sup>(۱۰)</sup>

■ حضرت علی علیل می فرماید: قیمت شما بهشت است، پس خودتان را ارزان نفروشید:

«ليس لأنفسكم ثمن لا الجنة فلا تبيعوها إلا بها»<sup>(۱۱)</sup>

■ دنیا تجارت خانه اولیای الهی است: «الدنيا متجر اولیاء الله»<sup>(۱۲)</sup> جالب آن که حضرت

علی علیل این سخن را به کسی فرمود که از دنیا بدگویی می کرد.

■ در تجارت با خداوند، ما سرمایه را از خود او می گیریم و با قیمت گزار به خودش

می فروشیم.

■ در فرهنگ اسلام برای بسیاری از امور مادی، مشابه معنوی نیز وجود دارد. برای مثال:

- |                        |                                   |              |
|------------------------|-----------------------------------|--------------|
| ۳. نساء، ۷۷.           | ۲. بقره، ۱۶.                      | ۱. بقره، ۹۰. |
| ۶. حج، ۱۱.             | ۵. عصر، ۲.                        | ۴. زمر، ۱۵.  |
| ۹. صرف، ۱۰.            | ۸. فاطر، ۲۹.                      | ۷. توبه، ۲۴. |
| ۱۱. بحار، ج ۷۰، ص ۱۳۲. | ۱۰. نهج البلاغه، خطبه متنقين ۱۹۳. |              |
|                        | ۱۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.        |              |

(الف) خوارک مادی: ﴿كُلُوا مِن الطَّيَّبَاتِ﴾<sup>(١)</sup>

خوارک معنوی: ﴿فَلَيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾<sup>(٢)</sup> که امام علیؑ می‌فرمایند: «الی علمه»<sup>(٣)</sup>  
بییند چه می‌آموزد.

(ب) لباس مادی: ﴿سَرَابِيلَ تَقِيمَ﴾<sup>(٤)</sup>

لباس معنوی: ﴿وَ لِيَاسَ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ﴾<sup>(٥)</sup>

(ج) زینت مادی: ﴿خَذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾<sup>(٦)</sup>

زینت معنوی: ﴿حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانُ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾<sup>(٧)</sup>

(د) سفر مادی: ﴿وَ انْكَتَمْ عَلَى سَفَرٍ﴾<sup>(٨)</sup>

سفر معنوی: ﴿أَنْكَ كَادَحَ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا﴾<sup>(٩)</sup>

(ه) رزق مادی: ﴿مِنَ الشَّمَراتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾<sup>(١٠)</sup>

رزق معنوی: ﴿وَارْزَقْنِي حِجَّ بَيْتَكَ الْحَرَام﴾<sup>(١١)</sup>

(و) شیرینی مادی: ﴿حَلاوةَ الدُّنْيَا﴾<sup>(١٢)</sup>

شیرینی معنوی: ﴿حَلاوةَ الْإِيمَان﴾<sup>(١٣)</sup>، ﴿حَلاوةَ وُدُّك﴾<sup>(١٤)</sup>

(ز) پاداش مادی: ﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...﴾<sup>(١٥)</sup>

پاداش معنوی: ﴿وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَر﴾<sup>(١٦)</sup>

(ح) پدر مادی: ﴿وَالَّدُ وَ مَا وَلَدَ﴾<sup>(١٧)</sup>

پدر معنوی: ﴿أَنَا وَ عَلَيْ ابْوَا هَذِهِ الْأَمَّةِ﴾<sup>(١٨)</sup>

(ط) هجرت مادی: ﴿وَهَاجَرُوا﴾<sup>(١٩)</sup>

٣. رجال کشی، ج ٤، ص ٣.

٢. عبس، ٢٤.

٥١. مؤمنون، ٥.

٦. اعراف، ٣١.

٥. اعراف، ٢٦.

٨١. نحل، ٤.

٩. انشقاق، ٦.

٨. بقره، ٣٨٣.

٧. حجرات، ٧.

١٢. نهج البلاغه، حکمت ٢٥١.

١١. دعای ماه رمضان.

١٠. بقره، ٢٢.

١٣. بحار، ج ٨٧، ص ٢٠١. ١٤. بحار، ج ٩٠، ص ١٤٧.

١٥. بقره، ٢٥. ٢٧. (بار در قرآن آمده است).

٦. توبه، ٧٢.

١٦. بقره، ٧٢.

١٨. بحار، ج ٣٦، ص ١١.

٣. بلد، ١٧.

١٩. اనفال، ٧٢.

هجرت معنوی: «و الرجز فاهجر»<sup>(۱)</sup>

□ در حدیث می‌خوانیم که علی ؓ فرمود: «أَنَا التَّجَارَةُ الْمُرِبِّحَةُ الْمُنْجِيَةُ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ الَّتِي دَلَّ اللَّهُ عَلَيْهَا فِي كِتَابِهِ فَقَالَ «هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ...؟»<sup>(۲)</sup> من همان تجارت پرسودی هستم که باعث نجات از عذاب الیم است همان که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است.

### پیام‌ها:

- ۱- مردم را با عنوان و لقب ایمانی آنها مخاطب قرار دهیم. «يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ آمَنُوا»
- ۲- باید ابتدا در مردم آمادگی ایجاد کنیم و یکی از راههای آن، طرح سؤال است.  
«هَلْ أَدْلُكُمْ»
- ۳- تجارت، نیاز به راهنمای دارد. «هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ»
- ۴- تجارت معنوی برای همه قابل درک نیست، فقط مؤمنان به خدا این معنا را درک می‌کنند. «يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدْلُكُمْ...؟»
- ۵- انسان فطرتاً به دنبال سود است، آن هم سودی ثابت و پایدار. «هَلْ أَدْلُكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تَنْجِيَكُمْ»
- ۶- سود واقعی، نجات از قهر الهی است. «تِجَارَةٌ تَنْجِيَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْيَمِ»
- ۷- دفع خطر، مهم‌تر از جلب منفعت است. «تِجَارَةٌ تَنْجِيَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْيَمِ»
- ۸- تجارت، تنها در امور دنیوی نیست. «تِجَارَةٌ... تَؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»
- ۹- پیروی از پیامبران، تجارت پر سود است. «تِجَارَةٌ... تَؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ»
- ۱۰- ایمان، درجات مختلفی دارد. «يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ آمَنُوا... تَؤْمِنُونَ»
- ۱۱- در تبلیغ دین، از عناوین و موضوعات مورد توجه مردم باید استفاده کرد. موضوع تجارت و کسب درآمد مورد نظر همه است، لذا ایمان به خدا، به عنوان یک تجارت پر سود مطرح می‌شود. «تِجَارَةٌ... تَؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ»

---

۱. مددث، ۵. ۲. تفسیر کنز الدقائق.

- ۱۲- ایمان، تنها باور قلبی نیست، تلاش و جهاد لازم دارد. «تؤمنون... تجاهدون»
- ۱۳- ایمان به خدا همراه با ایمان به رسول است و جهاد با مال همراه با جهاد با جان. «تؤمنون... تجاهدون...»
- ۱۴- ایمان و جهاد موسمی و فصلی و مقطعی کارساز نیست، تداوم لازم دارد.  
«تؤمنون... تجاهدون...» (فعل مضارع نشانه دوام و استمرار است).
- ۱۵- ایمان سطحی سرچشم‌هی کارهای مهم نمی‌شود، ایمان کامل لازم است. «یا  
ایها الّذین آمنوا... تؤمنون... تجاهدون»
- ۱۶- ایمان بر عمل مقدم است. «تؤمنون... تجاهدون»
- ۱۷- حفظ دین، برتر از حفظ مال و جان است و باید برای حفظ دین، از مال و  
جان گذشت. «تجاهدون فی سبیل اللہ باموالکم و انفسکم»
- ۱۸- جهاد از هیچ فردی برداشته نمی‌شود، گاهی با مال، گاهی با جان و گاهی با  
مال و جان باید جهاد کرد. «تجاهدون... باموالکم و انفسکم»
- ۱۹- در دستورات، از کار سبک‌تر شروع کنیم تا به کارهای سنگین‌تر بررسیم.  
(جهاد با مال قبل از جهاد با جان آمده است). «باموالکم و انفسکم»
- ۲۰- ارزش کارها به اخلاص است. «فی سبیل اللہ»
- ۲۱- چه بسا تلخی‌ها که به نفع ما باشد ولی ما ندانیم. «تجاهدون... خیر لكم»
- ۲۲- انسان فطرتاً به دنبال خیر و سعادت است و خداوند و عده رسیدن به آن را  
داده است. «ذلکم خیر لكم»
- ۲۳- بهشت را به بها دهنده نه بهانه. «تؤمنون... تجاهدون... یدخلکم جنّات»
- ۲۴- عمل کامل، پاداش کامل را در پی دارد. (در این آیات، مسئله ایمان به خدا و  
رسول و جهاد با مال و جان از یک سو و مغفرت همه گناهان و ورود در  
بهشت و فوز بزر از سوی دیگر مطرح شده است). «یغفر لكم... جنّات...  
مساکن... ذلک الفوز العظیم»
- ۲۵- دریافت الطاف الهی، به پاک بودن و پاک شدن نیاز دارد. (اول مغفرت، بعد

بهاشت و رستگاري بزر). «يغفر لكم... يدخلكم... ذلك الفوز العظيم»

۲۶- انسان در میان عذاب الیم و فوز عظیم قرار دارد که با معامله‌ای با خدا، از عذاب رها می‌شود و به فوز می‌رسد. «تنجیکم من عذاب الیم... ذلك الفوز العظيم»

**﴿۱۳﴾ وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ**

و نعمت دیگری که آن را دوست دارید، یاری و نصرت از جانب خداوند و پیروزی نزدیک است و (ای پیامبر!) مؤمنان را بشارت ده.

#### نکته‌ها:

■ ورود به بهاشت و مغفرت الهی، مصدق نجات از عذاب الهی است ولی چون نصرت و فتح الهی لطف دیگری است، خداوند آن را جدایگانه بیان فرموده است.

#### پیام‌ها:

۱- تمام پاداش‌ها در آخرت نیست، بخشی از آنها در دنیاست. «وآخری تحبّونها...»

۲- پاداش باید مورد علاقه‌ی تشویق شونده باشد. «تحبّونها»

۳- رزمندگان مخلص به یکی از دو نیکی می‌رسند، اگر شهید شوند: «يدخلکم جنّات...» (که در آیه قبل بود) و اگر پیروز شوند: «نصر من الله و فتح قریب»

۴- پیروزی را از خدا بدانید، نه از تجهیزات و تجربه و تخصص. «نصر من الله»

۵- امید به آینده روشن و سیله‌ی دلگرمی رزمندگان است. «نصر، فتح»

۶- خداوند به وعده‌های خود عمل می‌کند:

در اینجا: «نصر من الله» و در جای دیگر: «اذا جاء نصر الله و الفتح»<sup>(۱)</sup>

در اینجا: «فتح قریب» و در جای دیگر: «أنا فتحنا لك فتحاً مبيناً»<sup>(۲)</sup>

۷- برای تشویق رزمندگان به گذشتن از مال و جان، از اهرم بشارت استفاده کنید.

«و بشّر المؤمنين»

۱. نصر، ۱. فتح، ۲.

۲. فتح، ۱.

﴿۱۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى أَبْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيْبِينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيْبُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَدْنَاهُ طَائِفَةً مِنْ بَنِي إِسْرَاءِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةً فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

ای کسانی که ایمان آوردادید، یاوران (دین) خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: یاوران من در راه خدا چه کسانی هستند؟ حواریون گفتند: ما یاوران (دین) خدا هستیم، پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آورددند و گروهی کافر شدند، پس کسانی را که ایمان آورددند بر دشمنشان یاری دادیم تا (بر آنان غلبه کرده و پیروز شدند.

### نکته‌ها:

■ «حواریون» به یاران حضرت عیسی گفته می‌شود که دوازده نفر بودند و نامشان در انجیل‌های کنونی ذکر شده است.<sup>(۱)</sup> ریشه‌ی این کلمه از «حور» به معنای شستن و سفید کردن است و به خاطر پوشیدن لباس‌های سفید و داشتن قلب‌های پاک و یا اینکه هم خود باطنی پاک داشتند و هم دیگران را دعوت به پاکی می‌کردند، این واژه درباره‌ی آنان بکار رفته است.

■ امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما حواریون ما هستند، حواریون عیسی علیه السلام او را در برابر دشمنان و یهود یاری نکردند ولی شیعیان، ما را یاری می‌کنند و در راه ما شهید یا شکنجه و تبعید می‌شوند. خداوند در برابر این همه سختی که به خاطر ما می‌کشند، پاداش نیکو به آنان عطا کند. «يَنْصُرُونَا وَيَقْاتِلُونَ دُونَنَا وَيَحرَقُونَ وَيَعْذِّبُونَ وَيَشَرّدُونَ فِي الْبَلَادِ جَزَاهُمُ اللَّهُ عَنْا خَيْرًا»<sup>(۲)</sup>

■ نقل موارد مشابه در پذیرفتن دعوت و انجام عمل اثر دارد. همان گونه که عیسی یاورانی

۱. تفسیر کنز الدقائق.

۲. تفسیر کنز الدقائق.

داشت «کما قال عیسی...» و همان گونه که بر دیگران روزه واجب شد. «کما کتب علی

الّذین من قبلكم»<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمن باید گام به گام رشد کند، در آیات قبل دعوت به تجارت با خدا بود، در این آیه رسماً به انصار الله بودن دعوت می‌کند «کونوا انصار الله» (یعنی برای همیشه بر نصرت قانون و اولیای الهی پایدار باشید).
- ۲- خداوند نیازی به نصرتِ ما ندارد، زیرا همه‌ی نصرت‌ها و پیروزی‌ها از اوست. «نصر من الله» ولی انصار خدا بودن، برای ما افتخار است. «کونوا انصار الله»
- ۳- انبیای الهی مردم را برای خدا می‌خواهند، نه برای خود و یا گروه و حزب خود. «من انصاری الى الله»
- ۴- پیامبران برای غلبه بر دشمن، مسیرهای عادی و طبیعی را طی می‌کردند و از اسباب ظاهری و نیروهای مردمی استفاده می‌کردند. «من انصاری الى الله»
- ۵- رهبر باید ارزیابی دقیقی از یاران خود داشته باشد. «من انصاری الى الله»
- ۶- اقرار گرفتن از یاران، نوعی تجدید بیعت و اعلام وفاداری است. «من انصاری... قال الحواريون نحن انصار الله»
- ۷- دعوت رهبران دینی را پاسخ دهیم. «من انصاری... نحن انصار الله»
- ۸- انسان مختار است که دعوت انبیا را بپذیرد و سعادتمند شود و یا آن را رد کند و بدینخت شود. «فامنت طائفة... و کفرت طائفة»
- ۹- معمولاً همه مردم به یک پیامبر ایمان نیاورده‌اند، بلکه بعضی کفر می‌ورزیدند و بعضی ایمان می‌آوردنند، ما نیز نباید انتظار ایمان آوردن همه مردم را داشته باشیم. «فامنت طائفة... و کفرت طائفة»

- ۱۰- داشتن ایمان، رمز دریافت تأییدات الهی است. «فامنت... فایدنا...»
- ۱۱- حضرت عیسیٰ علیہ السلام، هم خودش مورد تأیید خداوند بود «و ایدناه بروح القدس»<sup>(۱)</sup> و هم پیروانش. «فایدنا الّذین آمنوا علی عدوّهم فاصبُحوا ظاهرين» خداوند همان گونه که پیامبرش را تأیید و یاری می کند، «و ایدناه بروح القدس» پیروانش را نیز یاری می کند. «فایدنا الّذین آمنوا»

«والحمد لله رب العالمين»